

رئیس جامعه هتلداران کشور:

هتل سازان زمین گیر شده اند

رئیس جامعه هتلداران کشور گفت: رئیس جامعه هتلداران کشور مشکلات حوزه سرمایه گذاری در صنعت گردشگری را یکی از چالش های جدی دانست و گفت: در ایران بزرگترین هتل داران در مسیر اجرای پروژه سال هاستت زمین گیر شده اند. «جمشید حمزه زاده» در گفتگو با ایلنا، افزود: هم اکنون مشکلات اساسی در مسیر سرمایه گذاری وجود دارد و این مشکلات به قدری است که سرمایه گذاران ریسک برای احداث هتل نمی کنند. زمانی که سود بساز و بفروش چند برابر ساخت هتل است، چرا باید سرمایه گذار با وجود موانع بسیار در مجوز و اجرا به این سمت گرایش پیدا کند؟ وی ادامه داد: اینکه وزیر جدید میراث فرهنگی به ساخت ۵۰۰ هتل بر اساس برنامه هفتم توسعه اشاره می کند کاملاً درست است؛ اما باید این راستا مطالعات نیازسنجی صورت گرفته تا بر اساس این مطالعات ما بدانیم که در تهران به چه میزان هتل و با چه کیفیتی نیاز داریم و در شهرهای شمالی و دیگر نقاط ایران چند هتل و با چه کیفیت و کمیتی مورد نیاز است؟ رئیس جامعه هتلداران کشور با بیان اینکه ایران به ساخت هتل نیاز دارد اما به ساخت هتل استاندارد و با کیفیت جهانی، ادامه داد: در حال حاضر عمده مشکلی که در زمینه مراکز اقامتی و هتل ها وجود دارد نداشتن هتل با کیفیت و استانداردهای جهانی است. به گفته حمزه زاده، تهران به عنوان یک کلان شهر و پایتخت ایران ۵۰۰ هتل با کیفیت ندارد به طوری که اگر چند مراسم و همایش هم در این هتل ها در زمان بیک سفر برگزار شود، گردشگر دچار سرگردانی می شود و این یکی از ایراداتی است که گردشگران خارجی از مامی گیرند.



## دو روزنامه نگار مشمول عفو شدند

برخی از سایت ها و منابع گاه از عفو شدن یاشار سلطانی و وحید اشتری خبر داده اند. سی ام شهریور ماه ۱۴۰۳ مقام معظم رهبری با درخواست رئیس قوه قضاییه به منظور عفو یا تخفیف و تبدیل مجازات حدود سه هزار نفر از محکومان موافقت کردند. گفته می شود در اسامی مورد عفو قرار گرفته نام «یاشار سلطانی» و «وحید اشتری» نیز دیده می شود.

## نویسنده فیلم سینمایی «لختگی»:

### سینمای ایران به تنوع ژانر نیاز دارد

نویسنده فیلم سینمایی «لختگی» با اشاره به اینکه سینمای ایران درگیر یک ژانر شده است، تأکید کرد که امروز به تنوع ژانر نیاز داریم و دولت باید علاوه بر سینمای دفاع مقدس، از سینمای اجتماعی و دیگر ژانرها حمایت کند. حسن وارسته که پیش تر در کارنامه خود نگارش آثاری چون سریال «پایتخت»، «دودکش» و «علی البیل» را دارد، در گفتگو با ایلنا، افزود: یکی از مشکلات سینمای ایران است که در این سینما دیگر اثری از تنوع ژانر نمی بینیم و سینمای وحشت، معمایی، جنایی، پلیسی و... در سینمای ما جای ندارد و این اتفاقی است که در دو یا سه دهه اخیر رخ داده است چرا که پیش تر همیشه در سینمای ما تنوع ژانر وجود داشت. این فیلمنامه نویس تأکید کرد: در دهه ۶۰ یا ۷۰ همیشه در سینما فیلم هایی در چندین ژانر وجود داشت و در کنار «چارمنشین ها» شاهد آثار فیلم هایی چون «مترسک»، «کمال الملک» و «عقاب ها» بودیم و برای هر سلیقه ای یک فیلم وجود داشت. ما باید دوباره به همان سمت برویم چرا که پذیرش این وضعیت به معنای این است که ما شکست فیلم های مستقل را پذیرفته ایم و همگی باید به سمت سینمای کمدی برویم.



به دیگر سخن اغلب نمایش هایی که این روزها تولید می شود و به نهاد خانواده می پردازد این قضیه را به مثابه امکانی برای عبور از ممیزی و کسب مجوز از نهادهای رسمی برای اجرا فتن می دانند. شور و خنده در این نمایش های خانواده محور خبری از پژوهش های جامعه شناسی نیست و خانواده چنان باز نمایی می شود که تمامی مشکلاتش از همان ایندادر فضای خصوصی خانه طرح شده و بهتر است در همان فضای خصوصی حل و فصل شود.

به دیگر سخن در این اجراها نقش نهاد های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی جامعه در کامیابی یا ناکامی خانواده با تعافلی گذر می شود و گویی خانواده یک ساختار انترتای و کاملاً خود بسنده است که فارغ از واقعیت جامعه دچار مشکل شده و باید با امکانات خودش مسائالش را سامان دهد.

جالب آنکه اکثر این اجراهای خانواده محور سرنوشته یحیی فروپاشی برای

### پرده نقره ای

به بهانه پخش بازی - مسابقه «گل یا پوچ»:

## هویت مندی ملی با رئالیتی شوی ایرانی

سر بال در بستر یوتیوب محسوب می شود و به نوعی مرجع معرفی و تفسیر در مجازی تبدیل شده است. این در حالی است که تعداد این صفحات در مجازی کم نیستند اما منسوری توانسته با تسلط و تجربه به این مهم برسد. در «گل یا پوچ»، احسان منصوری به معرفی بخش های مختلف مسابقه و قوانین و مقررات آن می پردازد. منصوری نیز همانند مدیری خیلی موجز و ساده، ترنیشن های خود را با لحنی شیرین و گرم می گوید و از اضافه گویی و پررنگ گویی های مرسوم در بخش روایت خبری نیست.

نام نیک یوسفی در پوستر «گل یا پوچ» با واکنش هایی در توئیتر فارسی مواجه شد و برخی از کاربران جریان های خاص از حضور وی در کسوت کارگردان به دلیل برخی اظهار نظرات سیاسی انتقاد و به تخریب وی پرداختند اما این تخریب و فضا سازی نه تنها به ضرر برنامه نند بلکه در دیده شدن آن موثرتر نیز شد و کنجکاوی پیرانگیز پیرامون آن را مضاعف کرد. علاوه بر آن نیک یوسفی در جایگاه کارگردان توانسته یک مسابقه مهیج، پرتعلیق و به اندازه را بسازد که در صورت تماشا، بعدی است یونانی تا پایان دل از آن بکنید. سازندگان «گل یا پوچ» توانستند به خوبی این ظرفیت های بسازی برای دراماتیزه کردن و ایجاد تعلیق در روند برنامه استفاده کنند به نحوی که تماشاگر مدام خود را به جای طرف انتخاب کننده می گذارد و قصد پیش بینی پیدا کردن گل را می کند. علاوه بر آن در تدوین و فیلمبرداری نیز تمهیداتی در نظر گرفته شده که این



محمد تقی زاده

رئالیتی شوی «گل یا پوچ» با اجرای مهران مدیری را یکشنبه ۷ مرداد از فیلمو پخش شده، برنامه ای که هم مسابقه است هم نمایش. این برنامه به چند دلیل از جمله نو بدیع بودن و همچنین پرداختن به یک بازی کاملاً ایرانی می تواند توجه و جذاب باشد چرا که بازی «گل یا پوچ» یک بازی تماماً ایرانی است و از این جهت می تواند هیج بر و حدیثی را در خصوص کیب یون این برنامه مطرح کرد. بنابراین هر چه هست نتیجه خلاقیت و تلاش سازندگان و اتاق فکر این برنامه از جمله نیک یوسفی و علی اسدزاده در جایگاه کارگردان و تهیه کننده است. در ادامه ۷ دلیل برای تماشای این برنامه جذاب ایرانی و به شدت در دسترس ارائه شده است:

مهران مدیری ویتربن «گل یا پوچ» است اما این تمام ماجرا نیست. مدیری به عنوان یکی از محبوب ترین سلبریتی های ایرانی که جذابیت زیادی دارد و از سویی تسلط خودش را در اجرا نیز نشان داده، عامل اصلی جذب و جلب نظر مخاطبانی است که باید در میان خیل بی شمار پلتفرم ها و برنامه های نمایشی داخلی از فیلم و سریال تارنالیتی شو و مسابقه سراغ «گل یا پوچ» بیایند. بنابراین حضور مهران مدیری در کشتاندن تماشاگران اولویت زیادی دارد اما نکته اساسی در این حضور متفاوت؛ کنترل مدیری است که از سوی نیک یوسفی صورت گرفته است، هیچ حرکت اضافی از مدیری چه کلامی و چه رفتاری مشاهده نمی شود تا با یک مدیری به اندازه در «گل یا پوچ» مواجه باشیم که در کسوت میزبان ظاهر شده است.

راوی برنامه احسان منصوری است. فردی که به نظر می رسد صدایش از سیمایش جذاب تر است و کار رسانه ای و فرهنگی را به طور ویژه از معرفی فیلم در یوتیوب و اینستاگرام شروع کرد. در حال حاضر صفحه او از بهترین صفحات معرفی و تحلیل فیلم و

درباره مفهوم خانواده در نمایش های ایرانی با نگاهی به نمایش محمد میرعلی اکبری

## «مرغ دریایی» خوف بارنگ و بوی انقلاب ۵۷



محمدحسن خدایی

خانواده متصور نیستند و هیچ گاه راهی به رهایی و رستگاری نمی گشایند. چرا که تولید کنندگانشان در کلیت جامعه بیش از آنکه آفق های امیدبخش را مشاهده کنند بی ثباتی اقتصادی و انقباد اجتماعی را در ک می کنند. نتیجه این نیهلیسم فراگیر، عدم گشودگی به «دیگری» است و هر دم در تنهایی و انزوا ی خود فرغلطپیدن.

این مسئله کمابیش مربوط می شود به روانشناسی اجتماعی توده ترس خورده مردم. باز نمایی خانه و خانواده در اجراهایی که این شبها در گوشه و کنار کلانشهر تهران بر صحنه است می تواند نشانه ای باشد از نسبت این روزهای تئاتر ما با وضعیت خانواده ایرانی. البته پرداختن به نهاد خانواده در هنر های نمایشی دلیل مهم دیگری نیست برای گروه های اجرایی دارد و آن چیزی نیست به غیر از نگاه مثبت نهادهای رسمی به باز نمایی خانواده در وجه مثبتش.

به دیگر سخن اغلب نمایش هایی که این روزها تولید می شود و به نهاد خانواده می پردازد این قضیه را به مثابه امکانی برای عبور از ممیزی و کسب مجوز از نهادهای رسمی برای اجرا فتن می دانند. شور و خنده در این نمایش های خانواده محور خبری از پژوهش های جامعه شناسی نیست و خانواده چنان باز نمایی می شود که تمامی مشکلاتش از همان ایندادر فضای خصوصی خانه طرح شده و بهتر است در همان فضای خصوصی حل و فصل شود.

به دیگر سخن در این اجراها نقش نهاد های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی جامعه در کامیابی یا ناکامی خانواده با تعافلی گذر می شود و گویی خانواده یک ساختار انترتای و کاملاً خود بسنده است که فارغ از واقعیت جامعه دچار مشکل شده و باید با امکانات خودش مسائالش را سامان دهد.

جالب آنکه اکثر این اجراهای خانواده محور سرنوشته یحیی فروپاشی برای

طور مثال، یک فرد ناشناس این فرصت را بیابد که به خلوت خانواده هاقدم گذاشته و توانایی خویش از مشکلات شان بکاهد.

حال بعد از توضیحاتی که در باب هستی شناسی اجتماعی نهاد خانواده در ایران معاصر داده شد، به اجزای بپردازیم که این شبها بر صحنه تئاتر آمده و بازتابی است از زندگی اجتماعی مبتنی بر خانه و خانواده.

نمایش «مرغ دریایی» به نویسندگی و کارگردانی محمد میرعلی اکبری که در سالن استاد ناظرزاده کرمانی مجموعه ایران شهر میزبان تماشاگران علاقه مند درام های اجتماعی است یکی از درام های خانواده محور محسوب می شود.

از یاد نبریم که مدتی است محمد میرعلی اکبری نمایشنامه های چخوف را با توجه به خونی ترین بار گذاری مجدد بر صحنه آورده و تلاش دارد خوانشی امروزی از فضاهای چخوفی در اینجا و اکنون ماباسد.

این «مرغ دریایی» که در شمال ایران و در یک خانه ویلایی در جریان است، ماه های انتهایی رژیم پهلوی را نشان می دهد که چگونه صاحب این ویلا میزبان جماعتی از مردمان طبقه متوسط است که این روزهایشان به رقابت های مبهم عشقی، حرفه ای بی پایان روشنفکری و نگرانی های واقعی از آینده می گذرد.

سوی مباحث روشنفکری و گپ و گفت های بی سرته هنری که در طول روایت مشاهده می شود، اجرا توانسته به خوبی حال و هوای ملت به این جماعت نو کبسه را در روزهای منتهی به انقلاب به نمایش گذاشته و بحران اخلاقی شان را رویت پذیر کند.

با ن که اجرا گاهی بیش از اندازه و چه آنتاگونیستی می یابد و شخصیت ها بی دلیل به عالم و آدم می تازند، اما در مجموع «مرغ دریایی» میرعلی اکبری این توان را دارد که شخصیت های به یادماندنی بسازد و آنان را در موقعیت های دشوار انسانی به تکاپو انداخته و سوهای تازه ای از کنش روزی و انفعال را در

آستانه یک رخداد سیاسی عظیم چون انقلاب به نمایش بگذارد.

همچنین اجرا با حضور فرودستان جامعه همراه شده که به میانه ی انقلاب ۵۷ موقعیت بهتری می یابند و می توانند تضادهای طبقاتی شان را به پشتوانه نیروی بر آمده از انقلاب، به نحای مختلف رفع و رجوع کنند. به واقع نمایش مرغ دریایی توانسته شباهت های تاریخی ایران و روسیه را در آستانه تغییرات سیاسی و اجتماعی بزرگ، عیان کند و به جایگاه نمادین افراد در نسبت با انقلاب بپردازد.

جالب آنکه نسخه ایرانی مرغ دریایی چندان گرفتار باز نمایی ملال چخوفی نیست و بیشتر به خشم و رقابت های بی پایان طبقاتی در دهه ۵۰ شمسی می پردازد. میدان هنری یکی از مهم ترین فضاهای منازعه در این اجتماع کوچک انسانی است. گفتگو در باب هنر متعهد، نقش روشنفکران در آگاهی بخشی جامعه و جدال بر سر سلیقه هنری مخاطبان، مباحثی است که میرعلی اکبری به میانجی شخصیت هایی که آفریده، طرح کرده و به پیش می برد.

ارجاج به جشن هنر شیراز، پرداختن به نمایشنامه های عباس نعلبندیان و بحث در باب روشنفکری آن سال ها را رویت پذیر کرد و به نتایجی رسید. گویا اینکه این صورت بندی از فضای روشنفکری فرهنگی هم در نهایت تقلیل گرا است و به تمامی نمی تواند پیچیدگی وضعیت فرهنگی ایران دهه ۵۰ شمسی را باز نمایی کند.

محمد میرعلی اکبری برای ترسیم یک مختصات دقیق و رادیکال از این منازعات فرهنگی به پژوهش تاریخی بیشتری نیاز دارد. جایی که چپ ها، مذهبی ها و نیروهای مدافع سلطنت بر سر تلقی درست از مقوله فرهنگ و

شکل حکومت، اختلاف نظر داشته و با یکدیگر رقابت می کنند.

حال به نهاد خانواده باز گردیم و مرغ دریایی را از منظر یک اجتماع کوچک انسانی بررسی کنیم. اینجا هم با فضایی «دیگری ساز» روبرو هستیم که شخصیت ها نمی توانند نسبت به دیگری، گشوده باشند. اما نکته مثبت این اجرا، حضور افرادی است با تضادهای عمیق طبقاتی و باور های سستپهنه ایدئولوژیک که نوعی از همزیستی و تعامل را ضرورت می بخشد. اما به دوستی و مودت تمام عیار منجر نمی شود. مکانی چون ویلا به مثابه امکان ساختن یک اجتماع انسانی است و در نهایت با وقوع انقلاب، به اجبار به نیروهای تازه نفسی که در حال بر آمدن هستند و انگار می شود تا نظم جدید سیاسی استقرار یابد.

به واقع اخلاقیات فاسدی که مرغ دریایی به نمایش می گذارد بیش از این نمی تواند ادامه یابد و فرجام کار، فروپاشی حکومت پهلوی و بر آمدن یک نظم سیاسی نوین بر اساس الهیات سیاسی شیعه است. اینجا خانواده از هم پاشیده باز نمایی می شود تا هر نوع عشق و فداکاری به محاق رفته باشد. بنابراین انقلاب گریزناپذیر جلوه ای است تا اخلاقیات مردمان جامعه، شیوه تولید سرمایه داری و فراموشی سیاست دگرگون شده و از تصور تنبندی شود.

نمایش «مرغ دریایی» میرعلی اکبری، طعم و رنگ ایرانی دارد و به لحاظ متن نمایشنامه، واجد تعلیق و عنصر سرگرمی سازی است. به هر حال نسبت ما ایرانیان با چخوف نازنین، بر مدار شیفتگی و وفاداری شکل یافته و حتی ساختمان تئاتر شهری نوعی باز نمایش باغ ایلوالو افتتاح شده است. بنابراین هر تلاشی برای خوانشی تازه از جهان چخوفی در راستای نگارش یک متن بومی، اگر که واجد خلاقیت باشد قابل تقدیر است.

محمد میرعلی اکبری در این مسیر، تا حدودی موفق عمل کرده و انتظار از او بیش از این هاست. اتصال با جهان چخوف در ذقایی از انحطاط ملت به تاریخ معاصر.

در «گل یا پوچ» شاهد تشخیص و هویت بخشی به مهمان های برنامه هستیم به نحوی که هر یک از شش شرکت کننده در این مسابقه از مجتبی و وحید و محمدرضا امیرعلی و رجب با هویت و شخصیت پردازی شده اند و با وجود فضای واقعی بازی، شاهد هویت های این افراد از تیپ های قهوه خانه ای و کری خونی های این افسراد تا چهره های متفاوت فکری و شخصیتی هستیم که فضای مسابقه و بازی را از یکنواختی در آورده و علاوه بر بازی، خود آنها را نیز با اهمیت کرده است.

در رئالیتی شوی «گل یا پوچ» علاوه بر قوانین مرسوم این بازی، شاهد برخی قوانین جدید هستیم که روند مسابقه را جذاب تر می کند و تماشا می آن را از یکنواختی درمی آورد. کارت سنگ مفت گنجشک مفت، به تیم حدس زنده کمک می کند که اگر یکبار اشتباه کند و گل را درست حدس نزنند یک دست دیگر را که به آن تیم مشکوک است باز کند. کارت گوی بزرگ، به تیم حدس زنده کمک می کند تا به تیم مقابل دهه تا به جای بازی با گوی معمولی با گوی بزرگتر بازی کند. در واقع بازی با گوی بزرگتر سخت تر می شود و گل زودتر لومی رود و کارت گوی صدادر یکی از هیجان انگیز ترین کارت های بازی است.

چون به تیم حدس زنده کمک می کند تا گل را از تیم مقابل راحت تر پس بگیرد چرا که تیم مقابل مجبور است با گویی بازی کند که با هر حرکت صدامی دهد!

فضاسازی بازی نیز جالب و جدید است. بازی در یک فضای بسته و در حضور تماشاگرانی می گذرد که در پشت مهمان ها و میزبان، در تاریکی قرار دارند و تنها حضور آنها حس می شود. رنگ بندی و قالب بندی قضا در کنار تنوع لباس ها که نشانگر شخصیت مهمان ها و نوعی کاریزمای میزبان است از دیگر نکات ظریفی است که سازندگان برای احترام به تماشاگر و نگاه او طراحی کرده اند تا با یک بازی صرف سرگرم کننده طرف نباشیم و شاهد زیبایی شناسی بصری بر نامه نیز باشیم.

